

جرایم غیر عمد یا خطا و امور اتفاقی

گاهی انسان بدون اراده موجب صدمه و آزار دیگران شده از عملش نتیجه زیان آوری عاید اشخاص دیگر می گردد. بدون آنکه خود متوجه این نتیجه باشد. در چنین موردی از نظر جزایی مرتکب را خطا کار و مستحق مجازات میدانند.

تفاوت عمده و اساسی این قبیل جرائم با جرائم عمدی است که در جرائم نوع اخیر اراده مرتکب در آن واحد هم متوجه فعل یا ترک فعل مجرمانه بوده و هم متوجه نتایج زیان آور آن میباشد. و حال آنکه در خطا یا جرائم غیر عمد نتیجه زیان آور که تحت تاثیر عامل علت و معلولی ناشی از فعل یا ترک فعل متهم ایجاد می شود بهیچوجه مورد نظر مرتکب نبوده است.

جرایم غیر عمد یا خطا امروزه در کلیه قوانین دنیا تحت دو عنوان بحث و فقط دودسته از جرائم است که بدون آنکه مرتکب با اراده و سوء نیت موجب ایجاد ضرر و زیان بغير شده باشد باعث مسئولیت کیفری می گردد. دسته اول امور جنحه یا خلافهای ناشیه از بی احتیاطی مثل قتل عمد ضرب و جرح. و حریق غیر عمد. و جرح حیوانات یا چار پایان متعلق بغير است. دسته دوم امور خلاف بمعنی اخص مثل استعمال وزنه مخالف بسا مقیاسهای قانونی است.

در امور جنحه یا خلافهای ناشیه از بی احتیاطی قانون نتیجه زیان آور را جزو عناصر اصلی متشکله جرم دانسته و در واقع بیکر جرم از روی همین نتیجه تشکیل می شود. و حال آنکه در امور خلافی بمعنای اخص قانون نفس عمل یا خودداری از عمل را جرم می داند بدون آنکه کمترین توجهی بخرسارت ناشیه از آن داشته باشد. و در واقع مواد قانون در امور خلافی افعال یا ترک افعالی است که بالقوه موجب فساد و تخریب منافی است که قانون متوجه حمایت آن است. یا بعبارت دیگر امور خلافی نفس عمل ارتكابی اعم از آنکه بمنظور تسهکاری ارتكاب یافته باشد یا خیر مجازات می شود. و صرف تخلف برای اثبات جرم و اعمال کیفر خلافی کافی است.

یکی از نکات مهمی که در مورد جرائم غیر عمد قابل توجه است قابل کیفر شناختن این اعمال و جنبه اخلاقی مجازات است. که در نظر اول موجب تعجب شخص میگردد. یعنی با توجه باین نکته که در کلیه مجموعه های قوانین کیفری دنیا اساس مسئولیت کیفری بر اراده مرتکب بارتکاب عمل خلاف قانون استوار شده. بایستی ظاهراً تصدیق نمود که مجازات فعل یا ترك فعل غیر عمدی علی الظاهر مخالف اساس مسئولیت کیفری می باشد و حال آنکه در حقیقت چون پیش بینی وقوع عمل مجرمانه و نتیجه آن برای مرتکب امکان پذیر بوده همین امکان پیش بینی شرط لازم و کافی اثبات این قبیل جرائم تلقی شده و به همین دلیل کیفر مقرر در قوانین مختلفه توجیه می گردد. عبارت دیگر چون پیش بینی نتیجه عمل برای مرتکب ممکن بوده می توان گفت عمل ارتکابی کامل از تحت سلطه و نفوذ اراده او خارج نمی شود تا مسئولیتش بالمره زایل گردد. و اما از نظر اخلاقی هم مجازات این قبیل جرائم دور از عدالت نیست چه مرتکب هم قادر و هم مکلف بوده اراده خود را برای مبادرت یا عدم مبادرت بکاری بکاربرد. و حال آنکه نه از این قدرت استفاده نموده و نه بآن تکلیف رفتار کرده است.

بنا بر این خطا بطور کلی عبارتست از عدم پیش بینی نتیجه قهری یا بالقوه فعل یا ترك فعل که در حین تظاهر اراده قابل پیش بینی بوده است که بالنتیجه هر وقت مرتکب قادر یا مکلف بوده عملی را پیش بینی نماید و از این قدرت استفاده نکرده یا بآن تکلیف رفتار ننماید قابل کیفر شناخته میشود

از تعریف فوق دو نتیجه اساسی بدست می آید. یکی آنکه اشخاصی که بر اثر سن یا حالت جسمی یا اوضاع و احوال مخصوصه فاقد قدرت توجه به نتایج افعال یا ترك افعال خود باشند هیچوقت تحت عنوان جرم. بی احتیاطی یا خلافی مجرم شناخته نمی شوند. دیگر آنکه در خصوص این قبیل جرائم مسئله توجه اتهام مورد ندارد.

اشکال عملی که برای دادسرا ها و محاکم در مسئله کیفر جرائم غیر عمد پیش می آید تعیین حد فاصل بین خطا یا حادثه و امر اتفاقی است. یعنی چون همانطور که گفته شد امکان پیش بینی موجب توجیه اساس مسئولیت کیفری در این قبیل امور است باید مامورین کشف جرم و داد رسان حدود مسئولیت مرتکب را از این جهت منظور نظر قرار بدهند و مادام که علیت قضائی امر ثابت و محقق نباشد متهم را مجازات ننمایند و عبارت دیگر

بین نتیجه که علت غیر فوری و غیر مستقیم عمل زبان آواراست با نتیجه که علت مستقیم و فوری آنست فرق بگذارند. برای روشن شدن مطلب بند کر مثالی میپردازیم. فرضا اگر بر اثر بی مبالاتی خدمتکار قطاری درب یکی از اطاقهای آن باز مانده در حین حرکت قطار طفلی بخارج پرتاب و پدر مضطرب خود را پرت کرده بچه صدمه نخورده پدر کشته شود باید دید آیا کارگر با اینکه علت فوری متوجه او نیست جزا نامستول قتل غیر عمد پدر شناخته می شود یا خیر؟ قطعا خیر زیرا اگر چه بین ترك فعل کارگر (نمستن درب اطاق) و سقوط بچه رابطه علت و معلولی مؤثر و مستقیم موجود است و پیش بینی آن برای کارگر ممکن و لازم بوده ولی وقتی پدر بالا راده خود را از قطار روی خط میاندازد علت جدیدی پیش می آید که با آنکه بر اثر عدم مراقبت کارگر اتفاق افتاده هر گز برای او قابل پیش بینی نبوده است.

پس در جرائم غیر عمد بایستی بین خطا و نتیجه جرم رابطه مستقیم موجود بوده و در واقع خطا و نتیجه جرم مثل دو حلقه زنجیر متصل و پیوسته به یکدیگر باشد بسمیکه پیش بینی فلان نتیجه. فلان فعل یا فلان ترك فعل ممکن باشد. و اگر در این پیوستگی رابطه علت و معلولی عامل دیگری مداخله نماید که نه تنها پیش بینی نشده بلکه رابطه بین خطای اصلی با آخرین نتیجه را درهم بشکنند. دیگر رابطه علت برای توجیه اساس مسئولیت کیفری کافی نخواهد بود و بهمین نظر است کسه مخصوصا در این قبیل امور بایستی شرایط یا موقعیت مخصوص هر حادثه را از علت مستقیم آن حادثه تمیز داد.

پس بطور کلی وقتی مسئولیت نتیجه عمل کسی را میتوان متوجه آن شخص نمود که اولاً بتوان نتیجه را مربوط بفعل یا ترك فعل ارادی آن شخص نمود. و ثانیاً رابطه علت بین نتیجه و فعل یا ترك فعل مجرمانه در اثر مداخله علت خارجی که قائم مقام علت اول شده از بین نرفته باشد.

مع الوصف بایستی باین موضوع توجه داشت که بعضی از امور اتفاقی که ظاهراً مربوط بفعالیت مرتکب نیست نتیجه مستقیم خطای قبلی او بوده بدون ارتکاب آن خطا ایجاد نتیجه زبان آور قابل فرض نمی باشد و بدیهی است که در این قبیل موارد مسئولیت کیفری مرتکب ثابت و محقق می باشد. مثلا اگر کسی حیوانی را مهیا برای اضرار بغير نماید فرضا زنجیر سگی

را باز کرده یا دیوانه خطرناکی را آزاد کند گرچه علت مستقیم خسارت وارده ازسک یا دیوانه است ولی آن شخص قانونا مسئول شناخته می شود زیرا قادر به پیش بینی نتیجه بی احتیاطی خود بوده و لزوما بایستی این پیش بینی را نموده باشد. یا مثلا اگر کسی که عالم بعجز قوای جسمانی خود بوده ممالوصف مبادرت بعملی نماید که در نتیجه همان عجز ایجاد خسارت نماید نمی تواند متوسل بتصادف یا علت خارجی شده خود رامبرا سازد. فرضا اگر میکانیسیینی که مبتلا بمرض عدم تشخیص الوان است و رنگ علامت خطر را نتواند بارنگ دیگر تشخیص دهد در نتیجه حادثه اتفافی افتد مستقیما مسئول آن حادثه شناخته می شود وهمینطور است در مورد عناصر خارجی بی اثریکه بر اثر عمل مرتکب موثر واقع می شود. که با فرض امکان پیش بینی رابطه علیت موجب مسئولیت مرتکب می گردد. مثل حریرقی که در اثر روشن نمودن شمع در محل قابل احتراق هنگام وزش باد ایجاد شود چه در این مثال برای کسی که شمع را در این اوضاع و احوال روشن گذاشته پیش بینی حریق قابل امکان بوده است.

بنا بر مراتب بالا اینکه می گویند در جرائم غیر عمد و امور خلافی قصد و نیت مرتکب از عناصر متشکله جرم نیست مقصود این نیست که جرم ممکن است بدون خطا و تقصیر مرتکب ایجاد شود. چه در حقیقت جرم موضوعی وجود خارجی نداشته و هیچ قانونی صرف عمل مادی فعل یا ترك فعل را تنبیه نمی نماید. عبارت الاخری برای اعمال کیفی باید تقصیری پیدا نمود و بهمین جهت است که قوانین دنیا دادرس را ملزم نموده است که داد نامه صادره مشعر بر محکومیت را متکی بر تقصیر متهم نماید. و بعلاوه در تجزیه عناصر متشکله کلیه جرائم غیر عمد تصریح بلزوم وجود خطا نموده مثل در مورد قتل غیر عمد که توسل بکلیات عدم مهارت بی احتیاطی. عدم مراقبت. بی مبالاتی. یا عدم توجه بنظامات شده و در بعض دیگر بدون قید کلمه خطا قانون کسی را که غفلت از انجام عمل یا اتخاذ تصمیمی نموده مجازات میکنند. که این غفلت یا عدم پیش بینی همان خطای نوعی است پس بطور کلی حتی در جرائمی که قانون لغت خطا و تقصیر را قید نکرده و از استعمال کلمات بی احتیاطی و نظایر آن خودداری نموده باید همیشه دادرس یا باز پرس بتجسس دلایل خطا یا تقصیر اقدام نمایند. مثلا حتی در مورد امور خلافی بطور اخص که خطا غالباً وابسته بنفس عمل مجرمانه است. اگر مرتکب ثابت کند که تحت تاثیر قوای مافوق الطبیعه مرتکب عمل خلاف شده میتواند از محکومیت رهایی یابد.